

پیامبران راستین و مدعیان دروغین

مشخصات دیگر اعجاز پیامبران

و دروغگو ، تمیز دهند (۱)

اصولاً مدعیان مقاماتی مانند سفارت؛ فرمانداری و استانداری تا سند زنده‌ای در حوزه حکمرانی خود بمردم نشان ندهند کسی زیر بار آنها نمی‌رود تا چه رسد بمدعیان مقام رسالت و نمایندگی از جانب خداوند بزرگ؛ که هرگز قابل قیاس با مقامات مادی نیست .

چه مقام و منصبی بالاتر از این که فردی ادعا کند من پیغمبر الهی و نماینده خدا در روی زمین هستم ، و همه مردم باید بدون چون و چرا از من پیروی کنند؟

گذشته از این صفحات تاریخ گواهی می‌دهد که در ادوار گذشته يك مشت مردم جاه طلب برای هوسهای زودگذر مادی، مدعی رسالت و نبوت شده ،

سرشت انسانی با حسد کنجکاو، و ده گواه -
خواهی از مدعی، بهم آمیخته شده است. و برای هیچ انسانی گوارا نیست که ادعائی را بدون دلیل بپذیرد ؛ و یا در برابر فردی بی آنکه عظمت و شایستگی وی در نظر او مسلم گردد؛ سر تسلیم فرود آورد.

از اینجهت «شیخ الرئيس ابوعلی سینا» می گوید : هر گاه کسی مدعای فردی را بدون برهان بپذیرد، باید گفت که وی از فطرت اصیل و سالم انسانی بیرون رفته، و سرشت وی روی عواملی دستخوش انحراف گردیده است و لذا در کتابهای «النجاة» و «شفا» می گوید : سفیران الهی باید دارای امتیازات و نشانه‌هایی باشند تا بوسیله آن شناخته شوند و مردم آنها را از مدعیان قلابی

(۱) النجاة چاپ قاهره ص ۳۰۴؛ والهیات شفا بخش نبوت . (چون «شفاء» چاپ ایران در این قسمت شماره صفحه ندارد؛ لطفاً به اواخر جلد الهیات مراجعه فرمائید).

خلاف مسیر نظام طبیعی است و در این باره بطور مشروح گفتگو نمودیم. اینک بیان و تشریح مشخصات دیگر معجزه:

۲- آورنده معجزه باید مدعی منصب

الهی باشد

دومین امتیاز معجزه اینست که آورنده آن ؛ باید مدعی يك مقام شامخ روحانی و رهبری مردم از جانب خدا باشد ، و آنرا بعنوان يك سند زنده برای اثبات مقامی که ادعاء آن را دارد انجام دهد، و در غیر این صورت هر چه هم خارق العاده باشد ؛ معجزه نخواهد بود، در اصطلاح به آن «**کرامت**» می گویند .

بنابراین ، امور خارق العاده ای که از اولیاء دین و عارفان و سالکان حقیقی که بر اثر صفای روح و روان ، و قرب به درگاه الهی، سر میزند و به ادن الهی از طریق خرق عادت در جهان هستی تصرف می کنند ، معجزه نامیده نمی شوند ، زیرا آنان نه رسالتی را ادعاء میکنند، و نه آنرا بعنوان يك سند زنده ، برای اثبات مقامی که دارا هستند، انجام می دهند .

خداوند «مریم» را در قرآن با کرامت خاصی یاد میکند و میفرماید : مریم؛ روزی خود را در محراب عبادت حاضر و آماده میدید، و هر موقع حضرت زکریا (ع) بر او وارد میشد ، روزی او

و گروهی از ساده دلان را فریب داده اند و گاهی با «**دسیسه سازی**» و «**صحنه سازی**» محیط کوچکی یا بزرگی را تحت نفوذ خود در آورده و منطقه ای را متوجه خود ساخته اند .

روی این دو جهت (فطرت هیچ انسانی اجازه نمی دهد ادعائی را بدون دلیل بپذیرد - و وجود پیامبران قلابی) باید ادعای مدعیان نبوت ؛ با دلیل قاطعی همراه باشد.

از این نظر دانشمندان عقاید برای شناسائی پیامبران ؛ طرق و نشانه هایی معین کرده اند که هر کدام از آنها می تواند سند زنده ای برای حقانیت مدعی باشد (۱)

نخستین راهی که میتواند ما را بر استگویی مدعی رسالت رهبری کند؛ معجزه اوست؛ و همواره معجزه پیامبران؛ در تاریخ ادیان روشنترین گواه بر صدق گفتار و ارتباط آنان با مقام ربوبی بوده است.

* * *

در شماره گذشته، تعریفی را که دانشمندان عقاید و مذاهب، برای معجزه بیان نموده بودند یاد آور شدیم؛ گفته شد که در این تعریف برای «اعجاز» يك سلسله قیود و مشخصاتی ذکر شده است که هر کدام درخور بیان و تشریح است؛ نخستین مشخص و یا معرف «معجزه» اینست که آن يك نوع کار خارق عادت و بر

(۱) پیامبران راستین را از مدعیان دروغین از سه راه می توان تمیز داد: ۱- اعجاز ۲- پیامبر پیشین بر نبوت پیامبر بعدی تصریح کند ۳- قرائن و شواهد قاطعی ؛ گواهی بر نبوت شخص دهد بطوریکه از مجموع قرائن یقین حاصل کنیم که وی فرستاده خدا است .

آن کار خارق العاده‌ای است که نوع بشر حتی دانشمندان و نوابغ جهان از انجام مانند آن، عاجز و ناتوان باشند. و در این صورت روشن میشود که تکیه گاه اونبروی بی‌پایان الهی است و کار او از محیط بشر عادی بیرون می‌باشد.

بنابراین هنر نماییهای علمی پزشکان، اختراع واکتشاف مخترعان و کاشفان؛ امور شگفت‌انگیز مراتضان و عیاران و طرادان و ساحران و شعبده - بازان؛ از حدود اعجاز بیرون است، زیرا عمل برخی از آنها اگرچه کم نظیر و برخی خارق العاده میباشد، ولی نوع بشر از مبارزه و مقابله با آن عاجز و ناتوان نیست؛ و همکار هر کدام، میتواند، مشابه کار همکار خود را انجام دهد.

مثلا نخستین روزی که عمل پیوند قلب در آفریقای جنوبی وسیله **دکتر بار نارد** انجام گرفت؛ مطبوعات جهان آنرا از روی مبالغه؛ **یک نوع اعجاز علمی و پزشکی** خواندند، ولی دیری نپائید که مشابه آن در کشورهای دیگر به وسیله جراحان قلب انجام یافت.

۴- عمل وی برابر ادعای او باشد

آخرین مشخص معجزه اینست که آورنده خارق العاده در صورتی عمل وی در ردیف اعجاز قرار می‌گیرد؛ که کار او ادعای او را تصدیق کند، مثلا هر گاه مدعی مقام نبوت؛ معجزه خود را شفای بیماران از طریق لمس بر سر و صورت آنها؛ معرفی

را در کنار محراب او آماده مشاهده میکرد، و از روی تعجب می‌پرسید؛ که این غذا از کجا است؟ (یعنی تو در خانه من هستی و من کفیل زندگی تو هستم، و یک چنین غذائی در خانه من وجود ندارد)، مریم در پاسخ می‌گفت: این غذا از جانب خدا، و از غیب رسیده است، او است که به هر کس بخواهد - روزی بدون حساب میدهد (۱)

و در میان امتهای پیشین، و امت اسلامی شخصیت‌هایی بودند و هستند، که، کارهایی را انجام میدهند که هرگز با مو ازین عادی، قابل توجیه و تفسیر نیست، ولی چون مدعی مقامی نیستند به آنان **صاحبان گرامت** می‌گویند.

۳- جهانیان در مقابله با آن ناتوان باشند

این سومین امتیاز معجزه است؛ و در حقیقت این امتیاز دو مطلب را در بردارد:

- ۱- آورنده خارق العاده مردم را به مقابله دعوت کند.
- ۲- همه مردم را در قیام معارضه ناتوان و بیچاره سازد و کسی نتواند با او مبارزه نماید (۱)

بنابراین، هر گاه، انجام دهنده خارق العاده، اصلا مردم را دعوت به مقابله نکند؛ و یا بر فرض دعوت؛ در مقام مقابله مغلوب گردد؛ و دیگران مشابه کار او را نیز انجام دهند؛ در این صورت از حد اعجاز بیرون خواهد بود و به عبارت دیگر؛ معجزه

(۱) آل عمران آیه ۳۷- اینک متن آیه: و کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عند الله ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب .
(۲) بنابراین دو قید؛ از قیود پنجگانه اعجاز، در این قید ادغام گردیده است.

را به چاهی افکند، که آب آن زیاد شود ولی آب چاه فرونشست ! و دست خود را بعنوان برکت بر سر و صورت برخی از کودکان قبیله «بنی حنیفه» کشید ! ناگهان گروهی دچار کچلی شدند و برخی لکنت زبان پیدا کردند (۱) !

هنگامی که مدعی : يك چنین گواه رسوائی بیاورد؛ هرگز برخدا لازم نیست که اعجاز او را باطل سازد زیرا عمل او برای اثبات دروغ او کافی است .

کند ؛ ولی هنگام عمل نتیجه معکوس بگیرد؛ یعنی هنگام لمس، وضع بیمار بدتر شود؛ در این موقع به يك چنین کار خارق العاده معجزه نمی گویند . زیرا این کار نه تنها نشانه ارتباط اوبا مقام ربوبی نیست ؛ بلکه گواه بر کذب و افترا بستن وی به مقام ربوبی می باشد .

علت افزودن این قید اینست که در زندگانی «مسئله» که از مدعیان نبوت تاریخ است، نقل شده که وی در مقام اعجاز آب دهان خود

(۱) تاریخ کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۱۳۸

در حاشیه ابتکار اداره آمار

راویان اخبار ، و ناقلان آثار ، از قول «اداره ثبت احوال و آمار» : گزارش دادند که طبق متحدالمالی از این پس ازدادن سجل احوال به نامهایی همچون «گدا علی» ، «زلف علی» ، خودداری خواهند کرد، چرا که این اسامی نامانوس است و بکوشها ثقیل سنگین آید، و کس

را یارای شنیدنش نباشد! **ظریفی این را شنید و گفت**

آن روز که سراغ این نامها می رفتند بخاطر کمبود نامهای ملی ، و مذهبی بود ، اما امروز با مفتوح بودن درها به روی لغات بیگانه و اغیار ، و امکان گدائی از هر ملک و هردیار ، و استفاده از نامهایی همچون «فوکس» ، «دولف» ، «ژبلا» ، «ژاکمی» و ... که حتی به گوش طفلان مکتبی نیز آشنا و سهل و آسان آید نیازی نباشد که اسمی رافی المثل از علی گدائی کنند .

وای کاش باعشری ازاعشار، این شهامت غیر قابل انکار، که بجنگ این اسامی رفتند لااقل طی متحدالمالی کوتاه دوسه نام خارجی را از میان هزاران نام، ممنوع . و از دادن شناسنامه بآنها مضایقه روا می داشتند ولی کیست که چنین شجاعتی داشته باشد؟